علیه افتراق‌گرائی

تحت تأثیر خیانت سازمان های تاریخی پرولتاریا، بعضی خُلق وخوها و گروه های افتراقی از انواع مختلف در اطراف بین الملل چهارم به وجود آمده، یا احیاء می شوند. در اساس این همه، امتناع از مبارزه برای درخواست های جزئی و انتقالی، یعنی مبارزه به خاطر منافع و نیازهای اولیه توده های کارگر به صورتی که امروز به چشم می خورند، وجود دارد. از نظر افتراقیون تدارک برای انقلاب عبارت است از این که آنان خود را نسبت به برتری سوسیالیزم متقاعد کنند. آنان پیشنهاد می کنند که پشت به اتحادیه های کارگری "قدیم" یعنی به ده ها میلیون کارگر سازمان یافته بکنند -انگار توده ها می توانند به طریقی در خارج از شرایط مبارزه ی واقعی طبقاتی زندگی کنند! آنان به مبارزه ی درونی در سازمان های اصلاح طلب بی اعتنا می مانند- انگار می توان بدون دخالت در کشمکش روزمره ی توده ها، آنان را به سوی خویش جلب کرد! آنان از کشیدن یک خط فاصل بین دموکراسی بورژوائی و فاشیزم امتناع می کنند- انگار توده ها چاره ای جز احساس فرق معامله از هر نوع را هم دارند!

افتراقیون قادر به تمیز دادن هیچ رنگی جز سرخ و سیاه نیستند. برای آن که خود را به وسوسه نیندازند واقعیت را تسهیل می کنند. آنان از کشیدن یک خط فاصل بین اردوگاه های متخاصم در اسپانیا امتناع می کنند به این دلیل که

www.hks-iran.com

هر دو اردوگاه ماهیت بورژوائی دارند. به همین دلیل آنان لازم می بینند که در جنگ بین ژاپن و چین بی طرفی را حفظ کنند. آنان فرق اصولی بین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی را انکار می کنند، و به علت سیاست های ارتجاعی بوروکراسی شوروی، در برابر یورش های امپریالیزم، دفاع از اشکال جدید مالکیت را که انقلاب اکتبر به ارمغان آورده، مردود می شناسند. از آن جا که آنان قادر به دسترسی پیدا کردن به توده ها نیستند، مصرانه توده ها را متهم می کنند که قادر به درک اندیشه های انقلابی نیستند.

این سیاست مداران سترون، عموماً نیازی به یک پل به صورت درخواست های انتقالی ندارند، چرا که آنان قصد عبور به ساحل دیگر را در سر نمی پرورانند. آنان به سادگی در یک مکان این پا و آن پا می کنند و خود را با تکرار همان مجردات حقیر قانع می کنند. حوادث سیاسی از نظر آنان فرصتی است نه برای عمل بلکه برای اظهارنظر. از آن جا که افتراقیون و به طور کلی -پخمه ها و شعبده بازان از هر نوع- در هر قدمی که بر می دارند، حقیقت سرنگونشان می کند، به همین جهت آنان در خشم دائمی به سر می برند، از "رژیم" و "شیوه ها" شکایت می کنند و پیوسته درون توطئه چینی های کوچک می لولند. اینان در محافل خود، عادتاً یک رژیم خودکامه به راه می اندازند. درماندگی سیاسی افتراق گرائی، سایه وار، درماندگی فرصت طلبی را تکمیل می کند، بی آن که چشم اندازی انقلابی عرضه کرده باشد. در سیاست عملی، افتراقیون با فرصت طلبان، به ویژه سانتریست ها، هربار، در مبارزه علیه مارکسیزم متحد می شوند.

www.hks-iran.com

بسیاری از گروه ها و دارودسته های افتراقی ، که از خرده ریز تصادفی سفره ی بین الملل چهارم تغذیه می کنند، موجودیت سازمانی "مستقلی" را، با تظاهر فراوان ولی بدون کوچک ترین اقبال موفقیت می گذرانند. بلشویک- لنینیست ها، بدون دفع وقت، به آرامی این قبیل گروه ها را به سرنوشت خود وا می گذارند. با وجود این تمایلات افتراقی در صفوف ما نیز پیدا می شود و تأثیری ویرانگر در کار بخش های جداگانه دارد. دیگر غیرممکن است که با آنان حتی برای یک روز دیگر از در صلح درآئیم. سیاست درست در مورد اتحادیه های کارگری شرط اولیه برای پیوستن به بین الملل چهارم است. کسی که راه توده ها را نجوید و پیدا نکند، جنگجو نیست بلکه باری است سنگین بر دوش حزب. یک برنامه برای هئیت تحریریه یا برای رهبران باشگاه های بحث رقم زده نمی شود، بلکه برای عمل انقلابی میلیون ها نفر نوشته می شود. تصفیه کردن صفوف بین الملل چهارم از افتراق گرائی و افتراقیون علاج ناپذیر شرط اولیه پیروزی انقلاب است.

www.hks-iran.com